

کارکرد سیاسی تبادل هدایا در مناسبات صفویان با عثمانی

فرزاد خوش آب، دکترای تاریخ ایران بعد از اسلام، دانشگاه لرستان، خرم آباد، ایران.

Farzad.69.fk@gmail.com

10.22034/skh.2024.19275.1549

چکیده

از ادوار گذشته تا کنون سفرایی که با اهداف سیاسی و اقتصادی روانه‌ی کشورهای دیگر می‌شدند پس از باریابی هدایایی را تقدیم می‌کردند. با روی کار آمدن صفویان و گسترش مناسبات خارجی به‌ویژه با دولت عثمانی هدایای تقدیمی به مانند گذشته اهمیت خود را حفظ کرد. در پژوهش حاضر با روش توصیفی تحلیلی و با استفاده از منابع رسمی و سفرنامه‌های اروپاییان به دنبال پاسخگویی به این پرسش هستیم که پس از روی کار آمدن صفویان و آغاز روابط سیاسی با دولت عثمانی هدایا و دقت در گزینش نوع آن‌ها با چه اهدافی انجام می‌شد؟ یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که تقدیم هدایا روابط ایران و عثمانی را به طور مستقیم و غیر مستقیم تحت تاثیر قرار می‌داد. به این ترتیب که در مراودات مستقیم بین شاهان صفوی و سلاطین عثمانی از هدایا تقدیمی به منظور تهدید، تحقیر، نمایش اقتدار، دلجویی، صلح و تحویل پناهنده‌ها انجام می‌شد. از طرفی به‌طور غیر مستقیم از هدایا در مناسبات صفویان با دول اروپایی به منظور اتحاد علیه دشمن مشترک (عثمانی) استفاده می‌شد که در این مناسبات هوشمندی در گزینش نوع هدایا اهمیت ویژه‌ای داشت.

کلیدواژه‌ها: صفوی، عثمانی، هدایا، تهدید، تحقیر.

۱- بیان مسأله

قبل از روی کار آمدن صفویان خاندان‌های حکومتگر در ایران همواره با دول همسایه و در مواقعی با دولت‌های اروپایی مناسباتی برقرار کردند. اما روی کار آمدن صفویان فصل جدیدی از مراودات خارجی ایران با دول آسیایی و اروپایی را رقم زد. شاه اسماعیل صفوی پس از سرکوب مخالفان و تثبیت جایگاه خود به حکومت صفوی رسمیت بخشید و مذهب شیعه را مذهب رسمی کشور اعلام کرد. سپس با لشکرکشی‌های مداوم به توسعه‌ی قلمرو صفویان اقدام کرد. به طوری که دولت‌های همسایه‌ی ایران در شرق و غرب به ویژه عثمانی‌ها از نظر سیاسی و مذهبی رویاروی آن‌ها قرار گرفتند. ابتدا در زمان سلطنت بایزید دوم روابط دوستانه از طریق ارسال سفرا نامه‌ها و هدایای تقدیمی به صورت ظاهری حفظ شد. اما به دنبال اقدامات توسعه‌طلبانه‌ی شاه اسماعیل سلطان سلیم اول آتش اختلافات را شعله‌ور کرد که در ادامه به درگیری دو دولت منتهی شد تا دوره‌ی دوم سلطنت صفویان تداوم یافت. اما در گیرودار منازعات و جنگ‌های طولانی مدت اقدام به ارسال هدایا با توجه به شرایط زمانی نقش مهمی در مراودات سیاسی بین دو دولت داشت. هدایایی که با دقت خاص انتخاب می‌شدند و اهداف خاصی در پس آن‌ها نهفته بود گاه‌ها شرایط را تغییر می‌داد و سهم به‌سزایی در نیل به مقاصد سیاسی و نظامی داشتند. از این رو پژوهش حاضر در صدد است با توجه به مناسبات گسترده‌ی ایران و عثمانی در عصر صفوی نقش هدایا و تاثیر آن‌ها در شرایط مختلف اعم از جنگ و صلح را در مراودات مستقیم و غیرمستقیم بین دو دولت واکاوی نماید و سپس به پرسش اصلی پژوهش پاسخ دهد که: کارکردهای هدایا در مناسبات ایران و عثمانی چه بود و چه تاثیری در مناسبات دو دولت داشت.

۲- فرضیه پژوهش

فرضیه پژوهش بر این است که تقدیم هدایا در مناسبات دیپلماتیک بین دول مختلف علاوه بر جنبه‌ی تشریفاتی آن در مواقع خاص به‌ویژه در زمان اختلاف و جنگ از منظر سیاسی کارکردهای متفاوتی داشتند. از این رو در مناسبات صفویان با دولت عثمانی در پس هدایای ارسالی اهداف سیاسی نهفته بود.

۳- پیشینه پژوهش

در رابطه با پژوهش حاضر پژوهش مستقلی صورت نگرفته است اما برخی از منابع و تحقیقات جدید در حوزه روابط خارجی صفویان که روابط دربار صفوی با دولت عثمانی را مورد بررسی قرار داده‌اند را می‌توان در چند دسته تقسیم کرد. دسته اول راجر سیوری (۱۳۸۹) در کتاب «ایران در عصر صفوی» رویمر و دیگران (۱۳۸۰) در کتاب «تاریخ

صفویان» نوائی و غفاری فرد() در کتاب «تحولات، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی ایران در عصر صفوی»، پژوهشگرانی هستند که حکومت صفوی را از منظر سیاست داخلی و خارجی مورد بررسی قرار داده‌اند و در بحث روابط خارجی به مناسبات با دربار عثمانی اشاراتی داشته‌اند اما در گزارش‌های آن‌ها استفاده از هدایا، هدف از ارسال و کارکردهای آن مغفول مانده است. دسته دوم، متی در کتاب «اقتصاد و سیاست خارجی در عصر صفوی»؛ نوائی؛ مهدوی(۱۳۵۰) در کتاب «روابط خارجی ایران»؛ پژوهشگرانی را شامل می‌شود که به‌طور اخص روابط خارجی صفویان را مورد واکاوی قرار داده‌اند که علی‌رغم اشاراتی به ردوبدل شدن هدایا، از اهداف و کارکردهای آن در مناسبات دربار صفوی با دولت عثمانی سخنی به میان نیاورده‌اند. دسته سوم، عابدینی(۱۳۸۶) در مقاله «مناسبات سیاسی دولت صفوی با امپراطوری عثمانی از معاهده ذهاب تا سقوط اصفهان(۱۰۴۹ق تا ۱۱۳۵ق/۱۶۳۹ تا ۱۷۲۲م)»؛ ساریحان و روح‌اللهی امیری(۱۳۹۹) در مقاله «مناسبات تقابلی دو دولت صفوی و عثمانی»؛ حسینی(۱۳۸۹) در مقاله «پی آمدهای سیاسی تنش بین صفویه و عثمانی» پژوهش‌هایی هستند که روابط دربار صفوی با عثمانی را بررسی کرده‌اند اما در این روابط به سهم و کارکرد هدایا اشاره‌ای نرفته است.

۴-تبادل هدایا و اهمیت آن در عصر صفوی

هدیه به هر نوع تقدیمی اطلاق می‌شود که در ادوار مختلف تاریخ ایران تقدیم هدایا در مناسبات خارجی امری مرسوم بود که دامنه آن به دوره صفوی نیز کشیده شد. با روی کار آمدن صفویان و گسترش مناسبات خارجی با دول همسایه(عثمانی، ازبک و گورکانیان) و دول اروپایی همواره سفرای طرفین برای نیل به مقاصد گوناگون اعم از مقاصد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و مذهبی در رفت و آمد بودند. در این بین یکی از اصول مهم دیپلماتیک که تقریباً همه دولت‌ها و به‌طور اخص پادشاهان آن را رعایت می‌کردند تقدیم هدایای ارزشمند به شخص هم‌تراز خود بود. اما باید اذعان کرد انتخاب نوع هدایا در شرایط و زمان‌های مختلف متغیر بود و گاهی با قصد و نیت خاصی انتخاب می‌شد. از این رو تقدیم هدایا در مناسبات خارجی عصر صفوی از اهمیت بالایی برخوردار بود به‌طوری که در مناسبات خارجی صفویان با گورکانیان (عالم‌آرای شاه‌طهماسب، ۱۳۴۲، ۲۵۹-۶؛ ترکمان، ۱۳۵۰ : ۹۹/۱)، ازبک‌ها(ترکمان، ۱۳۵۰ : ۸۱۹/۲-۸۲۰؛ منجم یزدی، ۱۳۹۸ : ۴۳۷-۴۴۰)، انگلیس(تاورنیه، ۱۳۹۹ : ۱۵۴)، اسپانیا(فیگوئروا، ۱۳۶۳ : ۳۶۳)، پرتغال(فیدالگو، ۱۳۵۷ : ۷۱-۷۵)، هلند(شاردن، ۱۳۷۴ : ۳۱۳/۲)، فرانسه(شاردن، ۱۳۷۵ : ۱۶۶۷/۵)، سوئد(کمپفر، ۱۳۶۳ : ۲۷)، لهستان(کمپفر، ۱۳۶۳ : ۲۷۱) تقدیم هدایا جزء جدایی‌ناپذیر روابط دیپلماتیک با این دولت‌ها بود. اما در این بین مناسبات صفویان با دولت عثمانی که از ابتدای شکل‌گیری حکومت صفوی با تنش

و درگیری همراه بود و تقریباً تا پایان عمر این سلسله تداوم داشت در باب تقدیم هدایا و اهمیت آن در روابط بین دو دولت بین دولت حائز اهمیت بود که مهم‌ترین کارکردهای آن عبارت بودند از:

۴-۱- کارکرد هدایا در مسأله پناهندگان ایران و عثمانی

در دوره صفویه شاهزادگان مدعی قدرت و سلاطینی که از سلطنت خلع می‌شدند به منظور رسیدن به قدرت به دربار دولت‌های مخالف و معاند پناهنده می‌شدند. در واقع آن‌ها به دنبال حامیانی بودند که از طریق آن‌ها جایگاه و موقعیت خود را تحکیم و تثبیت کنند و یا قدرت از دست رفته خود را باز یابند. در این بین اختلافات و درگیری‌های صفویان با همسایگان‌شان (عثمانی‌ها، گورکانیان، ازبکان) عامل مهمی در پناهنده شدن مدعیان قدرت به دربار کشورهای مخالف بود و به نظر می‌رسد پناهندگان سیاسی از چند منظر برای دولت‌های حامی آن‌ها حائز اهمیت بودند. ۱. دولت‌های حامی با کمک‌رسانی به پناهندگان می‌توانستند دشمنان دیرینه خود را به متحد و حتی دست‌نشانده تبدیل کنند. ۲. در زمان درگیری و جنگ حضور پناهنده‌ها در دربار دشمن به عنوان یک خطر بالقوه محسوب می‌شد و تا حدودی می‌توانست از منازعات بیشتر جلوگیری کند. به همین علت سلاطین وقت برای دفع و جلوگیری از خطرات پناهنده‌ها، شیوه‌های متفاوتی را در پیش می‌گرفتند که یکی از آن‌ها ارسال هدایا به منظور تحویل گرفتن پناهنده‌ها بود. در مقابل دولت‌های حامی برای استفاده از مزایای سیاسی حضور پناهنده‌ها در دربار خود نیز به ارسال هدایا اقدام می‌کردند.

در زمان شاه اسماعیل صفوی پس از شدت گرفتن اختلافات صفویان با عثمانی‌ها سلطان مراد به عنوان یکی از مدعیان سلطنت بعد از مرگ بایزید دوم به ایران پناهنده شد و از ارسال هدایا اطلاعی در دست نیست (روملو، ۱۳۵۷: ۱/۱۷۵). با روی کار آمدن شاه طهماسب بیشترین پناهنده‌ها روانه دربار ایران و عثمانی شدند و از هدایا برای تحویل گرفتن آن‌ها استفاده شد. در این زمان اختلافات داخلی میان بزرگان، شاهزادگان و شاه برای رسیدن به سلطنت شدت گرفت و مدعیانی هم‌چون المه سلطان که در رسیدن به سلطنت ناکام مانده بودند، برای تحقق خواسته‌های خود به دشمن صفویان در غرب یعنی عثمانی‌ها پناهنده شدند اما منابع عصر صفوی از ارسال هدایا اطلاعاتی به دست نمی‌دهند. این در حالی است که شاه طهماسب برای تحویل گرفتن شاهزادگان مدعی و مشروع سلطنت، هدایایی را برای انجام مذاکره ارسال کرد. در این دوره مهم‌ترین مدعی تاج و تخت (برادر شاه طهماسب) القاص میرزا بود که پس از مخالفت با شاه و شکست از او به سلطان سلیمان عثمانی پناهنده شد (شاه طهماسب، ۱۳۷۰: ۸۹-۹۵؛ روملو، ۱۳۵۷: ۱/۴۲۳؛ قمی، ۱۳۸۳: ۱/۳۲۳؛ شاه طهماسب، ۱۳۴۲: ۷۴). تجربه شاه طهماسب از تبعات پناهندگی المه سلطان سبب شد تا برای

دست‌یابی به مهم‌ترین تهدیدکننده تاج و تخت اقداماتی انجام دهد. در واقع حمایت سلطان عثمانی از القاص میرزا و تلاش او برای رسیدن به سلطنت ایران، شاه‌طهماسب و جایگاه او را تهدید می‌کرد. به همین دلیل در طی مذاکرات و مکاتبات فی‌مابین، شاه‌طهماسب سعی داشت خطر و تهدید او را مرتفع کند. در این زمینه یکی از مهم‌ترین اقدامات شاه‌طهماسب ارسال هدایا بود، که موثر واقع نشد (شاه‌طهماسب، ۱۳۴۲: ۷۴). هر چند به کارگیری این شیوه از سوی شاه‌طهماسب با شکست مواجه شد اما در طی سال‌های بعد و پناهنده شدن بایزید عثمانی به شاه‌طهماسب، این شیوه از سوی شاه‌سلیمان به کار گرفته شد. در سال ۹۶۶ه.ق/۱۵۵۸م. زمانی که سلطان سلیمان عثمانی، بایزید را از حکومت کوتاهیه عزل کرد و سلیم را به عنوان حاکم آن منطقه انتخاب کرد، بایزید با آگاهی از این اخبار برای مقابله با سلیم لشکرکشی کرد. اما در مواجهه با او شکست خورد و به سمت ایران فرار کرد. پس از آمدن او به ایروان شاه قلی خان خبر پناهنده شدن او را به شاه‌طهماسب رساند (روملو، ۱۳۵۷: ۵۲۱/۱-۵۲۴؛ قمی، ۱۳۸۳: ۴۰۱/۱-۴۰۳؛ قبادالحسینی، ۱۳۷۹: ۱۹۲؛ شاه‌طهماسب، ۱۳۷۰: ۱۵۴-۱۵۶؛ قزوینی، ۱۳۴۳: ۲۸۶؛ شاه‌طهماسب، ۱۳۴۲: ۷۴).

اهمیت سیاسی پناهندگی بایزید برای شاه‌طهماسب در میانه جنگ ایران و عثمانی باعث شد، تا پس از ورود به ایران به طرز باشکوهی از او استقبال و پذیرایی شود. به این ترتیب که بایزید پس از ورود به هر منطقه از سوی حکام مورد استقبال قرار می‌گرفت و پیشکش‌های زیادی دریافت می‌کرد (روملو، ۱۳۵۷: ۵۲۴/۱-۵۲۶؛ قمی، ۱۳۸۳: ۴۰۷/۱؛ ترکمان، ۱۳۵۰: ۱۰۱/۱). در مقابل بنابر اهمیت موضوع سلطان سلیمان عثمانی، شاه‌طهماسب را تهدید کرد که حمایت او از بایزید مذاکرات صلح آماسیه را به خطر می‌اندازد و دولت عثمانی دیگر حاضر به صلح نخواهد شد (شیرازی، ۱۳۶۹: ۱۱۴-۱۱۵؛ شاه‌طهماسب، ۱۳۷۰: ۱۵۵-۱۵۶؛ قمی، ۱۳۸۳: ۴۰۴/۱؛ ترکمان، ۱۳۵۰: ۱۰۳/۱؛ شاه‌طهماسب، ۱۳۷۰: ۷۵). عثمانی‌ها هم‌چنین برای پیشبرد کار خود علی‌رغم تهدیدات انجام شده هدایایی به شاه‌طهماسب تقدیم کردند. در پی این اقدامات شاه‌طهماسب قصد داشت از حضور بایزید در مناسبات دیپلماتیک بهره‌برد (قبادالحسینی، ۱۳۷۹: ۱۹۳-۱۹۴). به همین دلیل هر یک از طرفین برای جلب نظر طرف مقابل علاوه بر فرستادن سفیر هدایایی نیز ارسال کردند. ابتدا شاه‌طهماسب برای جلوگیری از به هم خوردن مذاکرات صلح و حفظ بایزید در مقابل تهدیدات عثمانی‌ها، علی‌آقا آقچه سقل قاجار و ارشتی آقا مهانلو ذوالقدر را به همراه هدایا و به منظور تقاضای عفو و امان برای بایزید نزد سلطان سلیمان فرستاد (شیرازی، ۱۳۶۹: ۱۱۶؛ حسینی استرآبادی، ۱۳۶۶: ۸۵-۸۶؛ بوداق منشی، ۱۳۷۸: ۲۱۸؛ شاه‌طهماسب؛ ۱۳۴۲: ۷۵). که مورد قبول واقع نشد. در ادامه شاه‌طهماسب بار دیگر هدایایی را به همین منظور روانه دربار عثمانی کرد (حسینی استرآبادی، ۱۳۶۶: ۷۵-۷۶) که این امر را می‌توان نشانگر اهمیت پناهندگان سیاسی در زمان جنگ و صلح دانست. اما در این بین اقدام بایزید مبنی بر قتل شاه‌طهماسب و خیانت به او،

سبب شد از سوی شاه صفوی مواخذه شود (بوداق منشی، ۱۳۷۸: ۲۱۸؛ حسینی استرآبادی، ۱۳۶۶: ۸۵-۸۶؛ شیرازی، ۱۳۶۹: ۱۲۰؛ شاه طهماسب، ۱۳۴۲: ۷۶-۷۷؛ شاملو، ۱۳۸۱: ۸۰/۱-۸۱). به دنبال خیانت و اسارت بایزید سلطان سلیمان بلافاصله در سال ۹۶۸ه.ق برای استرداد او علی پاشا حاکم مرعش و حسن آقا قاپوچی باشی را به همراه ۷۰۶ نفر با هدایایی شامل کمر شمشیر، کمر خنجر و اقمشه نفیس فرنگ به دربار صفوی روانه کرد تا علاوه بر درخواست استرداد بایزید بر انجام مذاکرات صلح تاکید کند، که به دنبال آن شاه طهماسب نیز جعفریگ کنگرلو را برای مذاکرات صلح به همراه آن‌ها روانه دربار عثمانی کرد (روملو، ۱۳۵۷: ۵۳۲/۱؛ قزوینی، ۱۳۴۳: ۳۰۶؛ بوداق منشی، ۱۳۷۸: ۲۱۹؛ قمی، ۱۳۸۳: ۴۱۷/۱؛ حسینی استرآبادی، ۱۳۶۶: ۸۶). پس از انجام مذاکرات مجددا در سال ۹۶۹ه.ق/۱۵۶۱م. خسروپاشا حاکم وان و علی آقا حاکم مرعش و محضریگ با هدایایی برای استرداد بایزید شرفیاب شدند (روملو، ۱۳۵۷: ۵۳۵/۱). هدایای همراه آن‌ها شامل ۴۰ اسب تازی مرصع و ۱۵ هزار اشرافی بودند (که عبارت بود از ۳۰ تومان تبریزی و بسیاری از تنسوقات رومی و یمن و مصر و فرنگ) (جنابذی، ۱۳۷۸: ۵۵۲). در نهایت اقدامات شاه سلیمان به‌ویژه ارسال هدایا مبنی بر استرداد بایزید با موفقیت همراه بود و زمانی که سفرای عثمانی در ایران حضور داشتند بایزید به آن‌ها تحویل داده شد و بلافاصله او را به قتل رساندند (روملو، ۱۳۵۷: ۵۳۵/۱؛ شاه طهماسب، ۱۳۷۰: ۱۵۷؛ قبادالحسینی، ۱۳۷۹: ۱۹۶-۱۹۷؛ قزوینی، ۱۳۴۳: ۳۰۷؛ ترکمان، ۱۳۵۰: ۱۰۴/۱؛ شیرازی، ۱۳۶۹: ۱۲۰؛ شاملو، ۱۳۸۱: ۸۲/۱؛ حسینی استرآبادی، ۱۳۶۶: ۸۸؛ بوداق منشی، ۱۳۷۸: ۲۱۸). در این زمینه به نظر می‌رسد تحویل بایزید از سوی شاه طهماسب علی‌رغم مفاد صلح آماسیه معلول دو علت بود: ۱. خیانت بایزید ۲. حرص و طمع شاه طهماسب به گرفتن هدایا. به این ترتیب که با خیانت بایزید از جنبه سیاسی پناهندگی و نقش او در مناسبات شاه طهماسب و شاه سلیمان کاسته شد. به همین علت شاه طهماسب برای حفظ مفاد صلح و بهره‌گیری از مزایای مادی آن یعنی گرفتن هدایا اقدام کرد به گونه‌ای که تذکره شاه طهماسب در مورد تحویل بایزید اذعان دارد: «ما در برابر این نوع خدمت کلی از حضرت خداوندگار و سلیم خان جایزه و جلدویی که لایق ایشان باشد می‌خواهم و در عالم دوستی از خداوندگار توقع دارم که اذیت به سلطان بایزید و فرزندان او نرسد» (شاه طهماسب، ۱۳۴۲: ۷۸). از این رو ارسال هدایا به‌ویژه در رابطه با پناهندگان ایران و عثمانی نقش اساسی داشت و هر یک از دولت‌های متخاصم برای استرداد پناهنده‌ها به ارسال هدایا اقدام می‌کردند.

۴-۲- کارکرد هدایا در اتحاد علیه دشمن مشترک (عثمانی)

یکی از مهم‌ترین کارکردهای هدایا در مناسبات دیپلماتیک استفاده از آن برای جلب نظر دول دیگر به منظور اتحاد علیه دشمن مشترک بود. دربار صفوی و هم‌چنین دولت‌های خارجی برای از میان برداشتن دشمن مشترک به همراه

سفرا هدایایی را ارسال می‌کردند. در این دوره مهم‌ترین دشمن صفویان و دول اروپایی، عثمانی‌ها بودند که به منظور پایان دادن به برتری آن‌ها اقداماتی برای اتحاد علیه آن‌ها صورت گرفت.

در آغاز تشکیل حکومت صفویه اختلاف و درگیری با دولت عثمانی (عالم آرای صفوی، ۱۳۵۰: ۱۳۹-۱۶۰) باعث شد شاه اسماعیل صفوی برای تشکیل اتحادیه‌ای علیه آنان اقدام کند. یکی از مهم‌ترین دولت‌هایی که شاه اسماعیل با ارسال هدایا و سفرا در صدد جلب حمایت و اتحاد آن‌ها برآمد پرتغال بود. او در اولین برخورد با پرتغالی‌ها پس از فتح هرمز به منظور اتحاد علیه عثمانی‌ها هدایایی برای آلبوکرک ارسال کرد. از طرف دیگر تهدید پرتغال توسط عثمانی‌ها در اقیانوس هند باعث شد سفیری به نام روی گومش به ایران روانه کنند که در ادامه با مرگ او سفارت پرتغال بی‌نتیجه ماند (سال ۹۱۳ ه.ق / ۱۵۰۸ م.) (قائم‌مقامی، بی تا: ۴۶-۴۸). پس از بی‌نتیجه ماندن این سفارت‌ها چندین بار دیگر سفرایی از سوی طرفین فرستاده شد که علاوه بر عدم ارسال هدایا نتیجه‌ای در باب اتحاد علیه عثمانی در بر نداشتند (قائم‌مقامی، بی تا: ۴۹-۵۵). از سوی دیگر شاه اسماعیل به منظور اتحاد علیه عثمانی با دولت مصر (سال ۹۲۱ ه.ق / ۱۵۱۶ م.) و ونیز (زنو، ۱۳۸۱: مهدوی، ۱۳۵۰: ۲۴-۲۷)، لهستان، مجارستان و آلمان (۹۲۱ ه.ق / ۱۵۱۶ م.) (مهدوی، ۱۳۵۰: ۲۷-۳۰؛ رویمر و دیگران، ۱۳۸۰: ۹۰) ارتباط برقرار کرد اما نتیجه مطلوبی حاصل نشد.

با روی کار آمدن شاه طهماسب و تداوم اختلافات با دولت عثمانی طرح اتحاد علیه آن‌ها نیز تداوم یافت. ابتدا دولت‌های پرتغال و اسپانیول سفرایی روانهٔ دربار ایران کردند که طرح آن‌ها بی‌نتیجه ماند (مهدوی، ۱۳۵۰: ۴۰). اما در این زمان روابط دربار صفوی با روسیه به منظور اتحاد علیه عثمانی از نظر ارسال هدایا اهمیت بسزایی داشت. در واقع ارسال هدایا از جنس سلاح‌های گرم و پیشنهاد تزار روس مبنی بر تهیهٔ سلاح‌های نظامی از دیگر کشورها (سیوری، ۱۳۸۹: ۱۰۸) علاوه بر آگاهی او از درگیری ایران و عثمانی از چند منظر می‌توانست حائز اهمیت باشد. ۱. نشان دادن قدرت نظامی روسیه ۲. ارتباط روسیه با دولت‌های اروپایی ۳. آشنایی ایران با تاسیسات و سلاح‌های نظامی جدید در اروپا.

پس از شاه طهماسب سلطان محمد خدابنده نیز به منظور جلب متحد در سال ۹۹۴ ه.ق / ۱۵۸۶ م. هدایایی را به همراه سفیری به نام هادی‌بیگ روانهٔ دربار روسیه کرد. دربار ایران پیشنهاد کرد در صورت کمک‌رسانی روسیه دربند و باکو را به آن‌ها واگذار می‌کند. اما دربار روسیه به دلیل شورش در نواحی مختلف جواب مساعدی به سفیر ایران نداد. سپس زمانی که دربار روسیه برای مذاکره با صفویان اقدام کرد با مرگ سلطان محمد خدابنده، شاه عباس پادشاه ایران

شده بود (نوائی، ۱۳۷۲: ۳۳۸/۱). سفیر روسیه که با هدایای گران‌بهایی به دربار ایران آمده بود در باب اتحاد علیه عثمانی شاه‌عباس را امیدوار کرد (نوائی، ۱۳۷۲: ۳۳۸/۱). به همین علت شاه‌عباس برای بهره‌گیری از مزایای آن مجدداً هادی‌بیک را به همراه بوداق‌بیک برای مذاکره به روسیه فرستاد. سفرا علی‌رغم مشکلاتی که عثمانی‌ها برای آن‌ها به وجود آوردند در نهایت توانستند با تزار روس ملاقات کنند (مهدوی، ۵۶؛ نوائی، ۱۳۷۲: ۳۳۹/۱) و هدایای شاه‌عباس را شامل: ۱. زین‌وبرگ کار ایران با روکش مخمل و پارچه‌های زربفت ابریشمی ۲. پارچه‌های زربفت ابریشمی و مخمل و نمد ایرانی ۳. کمان کار خراسان مرصع به یاقوت و فیروزه و لعل ۴. رکاب سیمین و گلابتون و زرین و برگ گلابتون و سیله‌دوزی (۵۲۶ منات) ۵. لگام و سایر لوازم اسب به بهای ۳۱ منات ۶. قالی‌های الوان ایرانی با تاروپود طلا و نقره به قیمت ۳۰ منات ۷. یک جفت لعل ۱۵ منات ۸. چادر و خرگاه کار ایران با پارچه‌های اطلس و تافته و ابریشم با گاو و سرطلانشان ۸۹۲ منات به تزار روسیه تقدیم کردند. هر چند که دربار ایران به منظور پیگیری طرح اتحاد هدایای ارزشمندی را ارسال کرد اما تزار روسیه نتیجه مذاکرات را به بعد موکول کرد که در ادامه نیز هیچ‌گاه عملی نشد (نوائی، ۱۳۷۲: ۱۴۱/۱). در این زمینه گسترده‌ترین طرح اتحاد علیه عثمانی به دوران پادشاهی شاه‌عباس برمی‌گردد که توانست در این باب با بسیاری از کشورهای اروپایی مذاکره کند. اما در طی مذاکرات او منابع و متون تاریخی از نوع هدایای ارسالی او اطلاعی به دست نمی‌دهند و تنها به این مسئله اکتفاء می‌کنند که شاه‌عباس به همراه سفرای خود هدایایی ارسال کرد (شرلی، ۱۳۵۷: ۹۸؛ بیات، ۱۳۳۸: ۲۶۷).

شاه‌عباس هم‌چنین در سال ۱۰۰۰ه.ق توسط سفیری به‌نام کار هدایایی به دربار روسیه ارسال کرد اما به دلیل دروغ‌گویی و شیادی، دربار روسیه از مذاکره با او امتناع کرد. سپس شاه‌عباس پیش از بازگشت او شخصی به‌نام خسروخان را با هدایایی شامل طاقه‌های مخمل، تصویر حضرت مریم عیسی در حال طفولیت و چندین تن از فرشتگان روانه دربار روسیه کرد (نوائی، ۱۳۷۲: ۳۴۶/۱). هر چند سفارت خسروخان برای خرید زره و لوازم جنگی بود اما نوع هدایا مبنی بر تسامح مذهبی شاه‌عباس برای حضور مبلغان مذهبی روس در ایران می‌توانست آن‌ها را به اتحاد ترغیب کند. گاهی ارزش و قیمت هدایا در مناسبات دیپلماتیک در نتیجه آن تأثیرگذار بود. به طوری که پیش از بازگشت خسروخان، شاه‌عباس سفیری به‌نام خواجه اسکندر را به دربار روسیه فرستاد که هدایای تقدیمی کم ارزش او عامل مهمی در بی‌نتیجه بودن مذاکرات بود (هدایای او قلمکار و مخمل و چند سپر و آیینۀ مسی بودند) (نوائی، ۱۳۷۲: ۳۵۲/۱). سپس در طی مذاکرات بعدی نتیجه‌ای حاصل نشد و از ارسال هدایا خبری در دست نیست (نوائی، ۱۳۷۲: ۳۵۶-۳۵۱/۲).

اما فرستادن برادران شرلی از طرف شاه عباس به دربار پادشاهان اروپایی را می توان مهم ترین اقدام او در این زمینه قلمداد کرد. چنان که به پیشنهاد آنتونی شرلی به جای مذاکره با یک کشور واحد با دول اروپایی مختلف وارد مذاکره شد (شرلی، ۱۳۵۷: ۹۷؛ بیات، ۱۳۳۸: ۲۶۷). در ابتدا با انتخاب شرلی و حسین علی بیگ بیات (۱۰۰۸ ه.ق/ ۱۶۰۰ م.) هدایایی به منظور تشکیل اتحادیه ای علیه عثمانی ها برای کشورهای مذاکره کننده در نظر گرفته شد (شرلی، ۱۳۵۷: ۹۸؛ بیات، ۱۳۳۸: ۲۶۷). که ۳۲ شتر آن ها را حمل می کردند (بیات، ۱۳۳۸: ۲۶۹). اما از آن جایی که از نوع و جنس آن ها اطلاعی در دست نیست نمی توان به طور قطع در رابطه با اهداف و انگیزه های شاه عباس اظهار نظر کرد. در نهایت در طی مذاکرات آنتونی شرلی در مسکو، آلمان و رم نتیجه ای حاصل نشد و فقط امپراطور رم هدایایی را برای تقدیم به شاه عباس ارسال کرد (۹۹۸ ه.ق/ ۱۵۹۰ م.) (شرلی، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۳۰). اما به دنبال سفارت آنتونی شرلی، شاه رودلف دوم امپراطور اتریش سفیری به نام اتین کاکاش (۱۶۰۲) را نزد شاه عباس روانه کرد و قصد داشت تزار روس را نیز در این قضیه وارد کند. اما مرگ ناگهانی سفیر باعث شد جانشینش فن دریابل نامه امپراطور اتریش و تزار روس مبنی اتحاد علیه عثمانی را تقدیم کند. او در زمان درگیری با عثمانی ها در تبریز نزد شاه عباس شرفیاب و ارائه پیشنهاد او علیه عثمانی باعث شد شاه عباس مهدیقلی بیگ را به همراه هدایای به همراه او روانه کند (۱۰۱۲ ه.ق / ۱۶۰۴ م.). هر چند که دولت های مزبور به اتحاد علیه عثمانی مصمم بودند اما نتیجه ای حاصل نشد (فن دریابل، ۱۳۵۱: ۲۰-۲۲، ۴۶-۴۹، ۵۰-۵۱، ۵۳) هم چنین در طی دو سفارت (۱۰۲۳ ه.ق/ ۱۶۱۵ م. و ۱۰۱۶ ه.ق/ ۱۶۰۸) رابرت شرلی به دربار کشورهای اروپایی نیز نتیجه ای حاصل نشد (شرلی، ۱۳۵۷: ۱۵۵، ۱۵۸، ۱۶۴-۱۶۵، ۱۷۰-۱۷۱).. هر چند که عصر شاه عباس دوران نوینی از تلاش برای اتحادیه ای مشترک علیه عثمانی ها در یک گستره وسیع بود و سفرای زیادی به همین مناسبت در رفت و آمد بودند، اما گزارش منابع در این زمینه صرفاً مباحث سیاسی را در بر می گیرد و از نوع و جنس و سهم هدایا در این مذاکرات اطلاعی به دست نمی دهند.

پس از شاه عباس تا پایان دوران صفویه این رویه حالت معکوس به خود گرفت به طوری که هیچ اقدامی از سوی جانشینان او برای اتحاد علیه عثمانی صورت نگرفت، بلکه دولت های اروپایی در این راه پیش قدم شدند. عامل اصلی این قضیه را می توان در عهدنامه ذهاب (خواجگی اصفهانی، ۱۳۶۸: ۲۶۶، ۲۷۹) (۱۰۴۸ ه.ق/ ۱۶۳۸ م.) بین ایران و عثمانی در زمان شاه صفی قلمداد کرد، که صفویان را از حملات دولت عثمانی به مرزهای ایران آسوده خاطر کرد. از این رو در زمان شاه عباس دوم روس ها در این امر پیش قدم شدند و با ارسال هدایایی شامل یک چلچراغ کریستال منقش، ۹ آیینۀ کوچک کریستال با حاشیۀ منقش، ۵ قطعه پوست سمور، ۱۲۰ زر ماهوت قرمز و سبز، ۲۰ بطری عرق مسکویی

از شاه ایران درخواست کردند در اتحاد روسیه و لهستان علیه عثمانی شرکت کنند اما دربار ایران به علت صلح ذهاب جواب مساعدی به آن‌ها نداد (شاردن، ۱۳۷۴: ۱۶۵۵/۳).

در ادامه تلاش کشورهای اروپایی برای اتحاد علیه عثمانی در زمان شاه سلیمان به اوج خود رسید. در سال ۱۰۴۶ه.ق/ ۱۶۳۷ م. پیمان ترک مخاصمه آندروسویی بین لهستان و روسیه اتفاق جدیدی در جهت اقدام هماهنگ علیه عثمانی بود (متی، ۱۳۹۷: ۲۱). ابتدا لهستان سفیری به نام بوگدان گوزرسکی به دربار ایران فرستاد. او هدایایی شامل ۵ باز شتر، اسب، استر، گوزن، اسب‌هایی از طلا و نقره، پارچه‌های ابریشمی، ترکش با کمان، پوست‌های قیمتی، چکمه، کفش و چیزهای دیگر ۸ ظرف به شکل تفارد و دو قاطر با بار تقدیم کردند. اما در نهایت مذاکرات بی نتیجه بود (کمپفر، ۱۳۶۳: ۲۶۱، ۲۷۱). و سفرای دیگر لهستان در مذاکرات بعدی خود نتیجه‌ای به دست نیاوردند (کمپفر، ۱۳۶۳: ۱۷۴؛ متی، ۱۳۹۷: ۲۷).

اما روس‌ها نیز در سال ۱۰۸۲ه.ق/ ۱۶۷۲ م. کریستوفر فروویچ را به همراه هدایایی شامل پوست‌های سمور سبیری ۲ آئینه و یک صندوق شیشه‌ای به اندازه و شکل یک تابوت کوچک ارسال کردند (کمپفر، ۱۳۶۳: ۲۶۶، ۲۷۱؛ سانسون، ۱۳۴۶: ۱۷۵). هر چند که روس‌ها تلاش زیادی برای اتحاد علیه عثمانی انجام دادند اما نتیجه‌ای حاصل نشد (متی، ۱۳۹۷: ۲۲-۲۵). سوئد نیز با ارسال هدایایی هم‌چون ساعت، ۹ تفنگ شکاری کار ایتالیا، ۷ اسب با جل‌های رنگارنگ در صدد اتحاد برآمد و به نظر می‌رسد با توجه به ضعف نظامی ایران در این دوره و هم‌چنین نیاز دربار به سلاح‌های گرم اقدام به ارسال چنین هدایایی کرده باشند (متی، ۱۳۹۷: ۱۹) اما کاری از پیش نبردند (متی، ۱۳۹۷: ۲۶۶، ۲۷۱). آلمان‌ها هم‌چنین سفیری بدون هدیه روانه دربار ایران کردند که مذاکرات آن‌ها هم بی نتیجه بود (سانسون، ۱۳۴۳: ۱۷۲-۱۷۳). هر چند که دولت صفوی و دربارهای اروپایی در پی اتحاد علیه دشمن مشترک بودند و هدایای را ردوبدل کردند. اما مهم‌ترین عوامل موثر در عدم اتحاد علیه عثمانی‌ها را باید، صلح با عثمانی (صلح زهاب)، عدم توانایی نظامی ایران (متی، ۱۳۹۷: ۱۷، ۱۹) نقش صدراعظم شیخ علی خان در این قضیه (متی، ۱۳۹۷: ۲۰)، ترس از نفوذ اروپایی‌ها در منطقه (سانسون، ۱۳۴۳: ۱۷۵) و بعد مسافت ذکر کرد (سیوری، ۱۳۸۹: ۱۰۴).

۴-۳- کارکرد هدایا در مناسبات صلح ایران و عثمانی

یکی از مهم‌ترین کارکردهای هدایا در مناسبات ایران و عثمانی استفاده از آن هنگام مذاکرات صلح و تحکیم مبانی آن بود. به این ترتیب که در بحبوحه نبرد و درگیری زمانی که مذاکرات صلح آغاز می‌شد، طرفین نیز به همراه سفرا

هدایای ارزشمندی برای پیشبرد مذاکرات ارسال می کردند. چنان که در سال ۹۶۱ ه.ق/۱۵۵۳م. پس از درگیری های مداوم بین شاه طهماسب و شاه سلیمان قانونی زمانی که مذاکرات صلح آغاز شد، شاه سلیمان، سنان پاشا را برای انجام این کار انتخاب کرد (قزوینی، ۱۳۴۳: ۳۰۷؛ شاه طهماسب، ۱۳۷۰: ۱۲۸؛ بوداق منشی، ۱۳۷۸: ۲۱۷؛ حسینی استرآبادی، ۱۳۶۶: ۷۰۸) و سنان پاشا برای پیشبرد مذاکرات صلح هدایای ارزشمندی را برای تقدیم به شاه طهماسب انتخاب کرد (شاه طهماسب، ۱۳۷۰: ۱۲۸).

به نظر می رسد ارسال هدایا در بحبوه مذاکره می توانست سهم زیادی در پیشبرد اهداف طرفین داشته باشد، به طوری که شاه طهماسب پس از گذراندن هدایا با پذیرایی از سنان پاشا دستور داد شاهوردی سلطان به همراه او با تجهیزات کامل روانه عثمانی شود (شاه طهماسب، ۱۳۷۰: ۱۲۸-۱۳۱). پس از آن نیز مذاکرات شاه طهماسب و شاه سلیمان قبل از صلح آماسیه با ارسال هدایا در جریان بود (قزوینی، ۱۳۴۳: ۳-۶؛ شیرازی، ۱۳۶۹: ۱۲۱؛ حسینی استرآبادی، ۱۳۶۶: ۸۵-۸۶؛ قبادالحسینی، ۱۳۷۹: ۱۹۶-۱۹۷؛ قمی، ۱۳۸۳: ۴۰۴/۱؛ بوداق منشی، ۱۳۷۸: ۲۱۹؛ شاملو، ۱۳۷۱: ۸۰/۱-۸۱؛ روملو، ۱۳۵۷: ۵۳۲/۱) که در نهایت به صلح آماسیه منتهی شد و در پی آن به منظور تحکیم مبانی صلح سفرایی با هدایایی از سوی دربار عثمانی وارد ایران شدند. چنان که در سال ۹۷۰ ه.ق الیاس بیک هدایایی شامل ۱۴۰ اسب با جل های زربفت و مخمل و زرین مرصع و ۱۵۰ اشرافی معادل ۳۰ هزار تومان و بسیاری از تنسوخات روم، فرنگ، مصر و یمن به دربار ایران تقدیم کرد (شیرازی، ۱۳۶۹: ۱۲۰-۱۲۱؛ قزوینی، ۱۳۴۳: ۳۰۸؛ شاملو، ۱۳۷۱: ۱/۱؛ بوداق منشی، ۱۳۷۸: ۲۱۹؛ حسینی استرآبادی، ۱۳۶۶: ۸۸؛ جنابذی، ۱۳۷۸: ۵۲۵).

این روند و به کارگیری هدایا در مذاکرات صلح و تحکیم مبانی آن در زمان جانشینان شاه طهماسب نیز ادامه پیدا کرد (ترکمان، ۱۳۵۰: ۳۴۵-۳۴۶، ۴۱۰، ۴۳۹؛ واله اصفهانی، ۱۳۷۲: ۶۱۸-۶۲۵، ۶۳۵، ۷۹۵-۷۹۶؛ خواجهگی اصفهانی، ۱۳۶۸: ۲۹۴). اما در روابط ایران و عثمانی آن چه نقش هدایا را در مذاکرات صلح پررنگ می کرد، پیش قدم شدن در مذاکرات و نوع نگاه طرفین به ارسال هدایا بود. اگرچه ارسال هدایا در بحبوه جنگ می توانست در توافق طرفین برای صلح سهم به سزایی داشته باشد، اما به نظر می رسد پیش قدم شدن برای صلح با ارسال هدایا از سوی سلاطین و فرماندهانی که در موضع ضعف بودند به نوعی بر شکست و تنزل قدرت آن ها تعبیر می شد. به گونه ای که در حوادث سال ۱۰۱۹ ه.ق/۱۶۱۰م. و در طی درگیری بین شاه عباس با مرادپاشا به وضوح شاهد این قضایا هستیم. در این سال زمانی که شاه عباس نیروهای مرادپاشا را شکست داد سردار عثمانی برای مذاکرات صلح پیش قدم شد و یکی از معتبران خود را برای مذاکره نزد شاه عباس روانه کرد (حسینی استرآبادی، ۱۳۶۶: ۱۹۸؛ ترکمان، ۱۳۵۰: ۸۲۱/۲؛ جنابذی، ۱۳۷۸: ۸۴۵-۸۴۶) اما هیچ هدیه ای ارسال نکرد. در مقابل شاه عباس با فراست عدم ارسال هدایا توسط مرادپاشا در زمان جنگ را امری منطقی قلمداد کرد (حسینی استرآبادی، ۱۳۶۶: ۱۹۸). به نظر می رسد سردار عثمانی ارسال هدایا و ارائه تقاضای صلح را نوعی ضعف قلمداد کرده باشد. به طوری که شاه عباس با آگاهی به این قضیه و هم چنین منطقی

جلوه دادن تقاضای او (و عدم ارسال هدایا)، به منظور پایان دادن به مخاصمات در ارسال هدایا پیش‌دستی کرد (ترکمان، ۱۳۵۰: ۲/ ۸۲۱؛ حسینی استرآبادی، ۱۳۶۶: ۱۹۹) تا از این طریق نظر سردار عثمانی را برای صلح جلب کند. به این ترتیب که شاه‌عباس برای جلوگیری از احساس حقارت از جانب مرادپاشا مذاکرات را برای صلح و پایان دادن به جنگ ادامه داد (حسینی استرآبادی، ۱۳۶۶: ۲۰۲، ۲۱۰، ۲۱۳، ۲۱۶، ۲۱۷).

اما یکی از مهم‌ترین شیوه‌های ارسال هدایا مبنی بر تحکیم مبانی صلح، زمانی بود که شاه جدیدی بر تخت سلطنت جلوس می‌کرد. در همین راستا به سال ۹۷۴ ه.ق/ ۱۵۶۶ م. پس از مرگ سلیمان جانشین او سلیم دوم به منظور خبر جلوس خود و تحکیم مبانی صلح محمدیگ چاوش‌باشی را به دربار ایران فرستاد (بوداق‌منشی، ۱۳۷۸: ۲۳۱) و در مقابل شاه‌طهماسب، شاه‌قلی‌خان را با هدایای نفیسی به دربار عثمانی فرستاد (واله اصفهانی، ۱۳۷۲: ۳۵۵؛ بوداق‌منشی، ۱۳۷۸: ۲۳۰-۲۳۱؛ قمی، ۱۳۸۳: ۵۴۵/۱). در ادامه نیز سلطان عثمانی سلیم محمدپاشا را با تحفه‌ها و نفایس لایقی به دربار ایران فرستاد و شاه‌طهماسب در جواب آن سلطان علی تاتی‌اوغلی را به دربار عثمانی روانه کرد (شاه‌طهماسب ۱۳۷۰: ۳۸۸-۳۸۹). در ادامه با مرگ سلطان سلیم و روی کار آمدن مراد، شاه‌طهماسب محمدیگ تمحاق را با هدایایی برای تبریک جلوس او روانه کرد (قمی، ۱۳۸۳: ۱/ ۵۸۹-۵۹۱) و حسین بیگ یوزی‌باشی را برای تهنیت و تعزیت فرستاد (واله اصفهانی، ۱۳۷۲: ۳۸۸).

۴-۴- کارکرد هدایا در تهدید دشمن

شاهان صفوی در روابط خود با دول همسایه به‌ویژه در زمان اختلاف و دشمنی از ارسال هدایا برای تهدید و قدرت‌نمایی استفاده می‌کردند. در این دوره یکی از جنبه‌های تهدید از طریق ارسال هدایا، تأمل و زیرکی در گزینش و انتخاب نوع آن بود. یکی از این شیوه‌ها، ارسال هدایا از جنس سر و متعلقات دشمنانی بود که در مقابل شاهان صفوی شکست خورده بودند. به طوری که شاه اسماعیل پس از شکست شاهی بیگ هدایایی شامل بازوبندهای شاهی بیگ مرصع به الماس و یاقوت، سر شاهی بیگ پر از کاه، درجی پر از لعل‌های درخشان را نزد بایزید دوم عثمانی ارسال کرد ۹۱۶ ه.ق/ ۱۵۱۰ م. (عالم‌آرای صفوی، ۱۳۵۰: ۳۲۹). هم‌چنین شاه اسماعیل پس از شکست ابوالخیرخان با آگاهی از تحریکات سلیم در دیاربکر تصمیم به سرکوب آن‌ها گرفت. اما پس از مشاوره با مقامات درباری تصمیم بر ارسال هدایایی مبنی بر تهدید عثمانی‌ها گرفته شد. سپس با انتخاب سلیمان خان یساول باشی (۹۱۸ ه.ق/ ۱۵۱۲ م.) هدایایی شامل اموال ابوالخیرخان، پرچم و علم چنگیزخان و غرغره پر خون ابوالخیرخان مرصع به جواهر الوان را به همراه نامه‌ای برای بایزید ارسال کرد و در طی آن علیه تحرکات آن‌ها تهدیدهایی کرده بود (عالم‌آرای صفوی، ۱۳۵۰: ۴۵۷-۴۵۵).

به طور کلی روابط ایران و عثمانی در دوره صفویه از زمان شاه اسماعیل تا روی کار آمدن شاه عباس به گونه‌ای بود که طرفین در فرصت‌های مقتضی با ارسال هدایا در مقابل یکدیگر قدرت‌نمایی می‌کردند. چنان‌که در زمان محمدخدا بنده و در گیرودار جنگ با عثمانی زمانی که مصطفی پاشا برخلاف قرارداد آماسیه به تعمیر قلعه قارص پرداخت، حاجی مقصودیگ ذوالقدر را با چند صندوق میوه نزد پاشای عثمانی فرستاد و او را تهدید کرد. در مقابل این اقدام سردار روم اسرای ایرانی را گردن زد و ۴ صندوق فشنگ و چند گلوله توپ را به عنوان هدیه به سفیر تقدیم کرد و اعلام کرد: «در اردوی من جز این هدیه‌ای برای شاه ایران پیدا نمی‌شود» (مهدوی، ۱۳۵۰: ۴۶-۴۷). پس از سلطان محمدخدا بنده در زمان شاه عباس این شیوه نیز در پیش گرفته شد. به‌طوری‌که او در فرصت‌های مناسب سعی داشت پیشرفت‌های نظامی خود و دولت صفوی را با ارسال هدایایی نمادین به دولت عثمانی گوشزد کند، و به نوعی با تهدید و ارباب، آن‌ها را از دست اندازی به مرزهای ایران برحذر دارد. در همین راستا شاه عباس پس از آن‌که از بکان را در رباط‌پریان شکست داد (ترکمان، ۱۳۵۰: ۲/ ۵۷۱-۵۷۴) تصمیم داشت پیروزی خود را به عثمانی‌ها یادآور شود. از این رو در دوره زمامداری محمد سوم (۱۰۰۳-۱۰۱۱ ه.ق / ۱۵۹۵-۱۶۰۳ م.) سفیری به نام قره‌خان را در سال ۱۰۰۴ ه.ق / ۱۵۹۶ م. به دربار عثمانی روانه کرد و به منظور تهدید عثمانی‌ها و قدرت‌نمایی در مقابل آن‌ها کلیدهای طلایی و نقره‌ای ۲۴ شهری که در خراسان، ترکستان و افغانستان فتح کرده بود برای سلطان عثمانی فرستاد (مهدوی، ۱۳۵۰: ۷۳).

۵-۴- کارکرد هدایا در نمایش اقتدار در برابر عثمانی

یکی از مهم‌ترین کارکردهای هدایا در عصر صفوی استفاده از آن به منظور نمایش اقتدار، قدرت و عظمت شاه بود. در این دوره ارتباط گسترده با دول خارجی عامل مهمی در استفاده از هدایای تقدیمی برای نمایش عظمت و شوکت شاه در مقابل سفرای دشمنان خارجی و حکام دست‌نشانده بود. از این رو یکی از عوامل موثری که باعث می‌شد شاهان صفوی از هدایای ارسالی در این زمینه بهره گیرند درگیری و اختلافات آن‌ها با دشمنان به‌ویژه عثمانی‌ها در غرب بود. در این دوره از زمان سلطنت شاه اسماعیل تا پایان حکومت شاه صفی درگیری و اختلاف با دولت عثمانی تداوم داشت. به همین علت شاهان صفوی به منظور صف‌آرایی و پایان دادن به سلطه عثمانی‌ها اقداماتی از جمله تلاش برای تشکیل اتحادیه‌ای علیه آن‌ها انجام دادند که نتیجه‌ای در بر نداشت. علاوه بر این اقدامات شاهان صفوی گاهی برای نمایش اقتدار خود در مقابل سفرای عثمانی از سفرا و هدایای تقدیمی سایر دول بهره می‌گرفتند. چنان‌که شاه عباس پس از درگیری‌های مداوم و مذاکرات بی‌نتیجه با عثمانی‌ها از این شیوه استفاده کرد. به عنوان نمونه زمانی

که فیگوتروا از طرف دولت اسپانیا با هدایایی ارزشمند برای مذاکره با شاه عباس به ایران آمده بود، سفیر عثمانی نیز به واسطه جنگ‌های طولانی و عدم نتیجه از مذاکرات قبلی (۱۰۲۶/۱۶۱۷) در ایران حضور داشت. اما شاه عباس سفیر اسپانیا و عثمانی را همزمان بار داد. پس از آن شاه عباس در حالی که یکی از تفنگ‌های هدیه پادشاه اسپانیا را در دست داشت وارد مجلس شد و از چگونگی طرز کار و استفاده آن از سفیر اسپانیا سوالاتی پرسید. پس از این اقدام شاه عباس در مقابل سفیر عثمانی اعلام کرد که حاضر نیست مناطق فتح شده را به دولت عثمانی واگذار کند (فیگوتروا، ۱۳۶۳: ۲۶۷). به نظر می‌رسد، شاه عباس از باریابی همزمان سفیر اسپانیا و عثمانی چند هدف را دنبال می‌کرد: ۱. نمایش ارتباط گسترده دربار صفوی با کشورهای اروپایی و در عین حال تشکیل اتحادیه‌ای علیه عثمانی‌ها ۲. در ورود او به مجلس هدیه‌ای از نوع سلاح‌های مدرن اروپایی می‌توانست بیانگر این نکته باشد که از طریق دولت‌های متحد قادر به تهیه جدیدترین سلاح‌ها برای مقابله با دشمن است. در واقع شاه عباس در این مذاکرات ظاهراً قصد داشت موجبات شادی سفیر عثمانی را فراهم کند اما بنابر گزارش فیگوتروا او در حقیقت قصد داشت حسادت سفیر عثمانی را تحریک کند، و به او نشان دهد که پادشاه اسپانیا چنان خواهان دوستی و اتحاد با اوست که هدایایی ارزشمندی با تشریفات باشکوهی از جلوی او گذرانیده است. به همین دلیل روز باریابی سفیر عثمانی و سفیر اسپانیا را به عمد در یک روز تعیین کرد (فیگوتروا، ۱۳۶۳: ۲۷۰-۲۷۱).

۴-۶- کارکرد هدایا در تحقیر دشمن

در عصر صفوی هدایا در مناسبات دیپلماتیک به ویژه در زمان جنگ دشمنی و درگیری کارکردهای متفاوتی داشتند و از سوی سلاطین برای مقاصد گوناگونی به کار گرفته می‌شدند. در این دوره یکی از مهم‌ترین کارکردهای استفاده از هدایا در مناسبات دیپلماتیک به ویژه هنگام جنگ و دشمنی به کارگیری آن در جهت توهین و تحقیر بود. به این ترتیب که با آغاز اختلاف و درگیری (و حتی پس از آن) سلاطین با یادآور شدن پیشینه نیاکان یکدیگر سعی داشتند از طریق توهین و تحقیر و به نوعی در یک جنگ روانی یکدیگر را تخریب کنند. این شیوه در ابتدای شکل‌گیری حکومت صفویه در زمان شاه اسماعیل و هنگام مقابله با عثمانی‌ها به کار گرفته شد. در سال ۹۲۰ ه. ق ۱۵۱۴ م. درگیری‌های مرزی بین صفویان و عثمانی‌ها بر شدت اختلافات بین آن‌ها افزود و آن‌ها را در مقابل یکدیگر قرار داد. چنان که پس از آن با لشکرکشی سلطان سلیم به چالدران شکست سختی بر سپاه شاه اسماعیل صفوی وارد شد. اما آنچه در این بین اهمیت به‌سزایی داشت اقدامات شاه اسماعیل مبنی بر تحقیر سلطان سلیم و کمرنگ کردن شکست در مقابل او با ارسال هدایا بود. به این ترتیب که شاه اسماعیل پس از شکست در مقابل سلطان سلیم به دنبال یافتن

متحدانی برای مقابله با او هدایایی شامل دبوسی (نوعی گرز) از یک پارچه زرین و زین و برگ و شمشیری مرصع با نامه‌ای به این مضمون برای او ارسال کرد که: «اسماعیل پادشاه بزرگ ایران این هدایا را برای تو ای سلیم می‌فرستد که مناسب با شان و مقام توست زیرا که این هدایا به ملک تو می‌ارزد اگر تو مردی دلیری آن‌ها را خوب نگهدار زیرا من می‌آیم و آن را از تو می‌ستانم و سر و سلطنت که غضب کرده‌ای بر باد می‌دهم چه شایسته نیست روستازادگان بر آن همه ولایت فرمانروا باشند» (زنو، ۱۳۸۱: ۲۸۰-۲۸۱) این اقدام از سوی شاه اسماعیل خشم سلطان سلیم را برانگیخت چنان که قصد داشت سفیر او را در دم به قتل برساند اما پاشاها مانع از این کار شدند. در نهایت سلیم گوش و بینی سفیر را برید و با نامه‌ای به این مضمون روانه‌ی دربار صفوی کرد: «سلیم بی‌آنکه به او او سگ اعتنا کند پاسخ او را چنین می‌دهد که اگر او قدم بدین دیار نهد با او همان معامله خواهد شد که سلف من محمد با سلف او اوزون حسن کرد» (زنو، ۱۳۸۱: ۲۸۰-۲۸۱).

۴-۷- کارکرد هدایا در آشنایی با صنایع جدید نظامی

یکی از مهم‌ترین کارکردهای هدایا در عصر صفوی آشنایی با علوم، صنایع، اختراعات و تحولات جدید در اروپا بود. یکی از مهم‌ترین صنایع جدیدی که صفویان از طریق دریافت هدایا با آن آشنا شدند صنایع نظامی جدید در حوزه توپ، تفنگ و سلاح‌های جنگی بود. به نظر می‌رسد علت اصلی ارسال این نوع هدایا به دربار صفوی عدم آشنایی و استفاده از آن‌ها بود (فلور، ۱۳۸۷: ۱۷۱، ۱۷۷-۱۷۹، ۱۸۳-۱۸۵). در این دوره سیاحان اروپایی با حضور در ایران گزارش‌هایی راجع به آلات و ادوات سپاه صفوی و عدم آشنایی آن‌ها با سلاح‌های جنگی مدرن اروپایی ارائه داده‌اند (بازرگان گمنام و نیزی، ۱۳۸۱: ۳۹۱-۳۹۲، ۴۷۵؛ دالساندری، ۱۳۸۱: ۴۷۷؛ فیگوئروا، ۱۳۶۳: ۲۲۵؛ دلاواله، ۱۳۷۰: ۸۲، ۲۷۸؛ سانسون، ۱۳۴۶: ۱۴۳-۱۴۴؛ کمپفر، ۱۳۶۳: ۹۰؛ شاردن، ۱۳۷۴: ۱۵۰۶/۴) که این امر ارسال هدایای نظامی توسط دولت‌های خارجی را برای رسیدن به مقاصدشان در عرصه‌های سیاسی و اقتصادی توجیه می‌کند. در واقع بنا بر گزارش‌های سیاحان اروپایی از وضع نظام صفویان می‌توان اذعان کرد که دول اروپایی با آگاهی از این مسئله به دلایل مختلف برای رسیدن به مقاصد خود هدایایی از جنس سلاح‌های نظامی را به دربار صفوی تقدیم می‌کردند و از این طریق باب آشنایی صفویان با تجهیزات جدید نظامی را فراهم می‌کردند.

تشکیل اتحادیه علیه عثمانی‌ها و رفت و آمد سفرها بین دربار صفوی و کشورهای اروپایی عامل دیگری در ارسال سلاح‌های جنگی جدید و مدرن به دربار صفوی بود. در همین راستا تزار روس، ایوان مخوف برای بررسی امکان اقدام نظامی مشترک علیه عثمانی در سال ۹۷۶ ه. ق/ ۱۵۶۹ م. دولت کارپوویچ را به همراه هدایایی شامل ۳۰۰ توپ در اندازه‌های مختلف و ۴ هزار تفنگ روانه دربار ایران کرد. هم‌چنین ۵۰۰ تیرانداز ماهر را برای تعلیم سپاه ایران ارسال کرد و اعلام کرد در صورت پذیرش هدایا توسط شاه می‌تواند سلاح‌های بیشتری از طریق خریداری از آلمان برای شاه ایران بفرستد (سیوری، ۱۳۸۹: ۱۰۸). هم‌چنین در این سال زمانی که عثمانی‌ها، روس‌ها را در آستاراخان تهدید کردند تزار روس برای اتحاد سفیری به نام اولکسی کوزنیکو را به همراه ۱۰۰ توپ جنگی و ۵۰۰ سلاح گرم فرستاد (لاسیکووا، ۱۳۹۷: ۱۳۰). در زمان سلطان محمد خدا بنده نیز (۹۸۷ ه. ق/ ۱۵۷۹ م.) پاپ گریگوار سیزدهم به منظور اتحاد علیه عثمانی پیشنهاداتی به دربار ایران مطرح کرد، که برای تشکیل اتحادیه علیه عثمانی سالانه علاوه بر ۱۰۰ هزار سکه طلا حاضر بود ۵ تا ۶ هزار قبضه تفنگ و ۱۵ تا ۲۰ عراده توپ به دربار صفوی ارسال کند (نوائی، ۱۳۷۴: ۱/ ۲۰۴-۲۰۳). هم‌چنین در زمان شاه عباس سفیر دربار اسپانیا با آگاهی از ضعف نظامی ایران و درگیری‌های مداوم با عثمانی‌ها برای رسیدن به مقاصد خود با تقدیم هدایایی شامل ۵۰ زنبورک، چند تفنگ کوتاه، ۴ تفنگ فیله‌ای کار سیلان و ۱ زنبورک ساخت سیلان (فیگوئروآ، ۱۳۶۳: ۲۶۳) پیشنهاداتی مبنی بر اتحاد علیه عثمانی را به دربار ایران داد (فیگوئروآ، ۱۳۶۳: ۲۶۴) تا از این طریق به اهداف مورد نظر خود برسد.

۸-۴- کارکرد هدایا در مسائل و اختلافات مذهبی

در عصر صفوی به دلیل اختلافات مذهبی با دولت عثمانی گاهی رد و بدل شدن هدایا رنگ و بوی مذهب به خود می‌گرفت. از این رو که پادشاهان صفوی و سلاطین عثمانی در شرایط مختلف سعی داشتند با ارسال هدایا و گوش‌زد کردن مسائل مذهبی بر حق بودن خود را به طرف مقابل یادآوری کنند. این رویه در ابتدای شکل‌گیری حکومت صفوی و اوج اختلاف مذهبی با دولت عثمانی مشهود است. به عنوان نمونه زمانی که بایزید عثمانی هدایایی را به منظور تبریک فتوحات شاه اسماعیل روانه دربار صفوی کرد به مسائل و اختلافات مذهبی اشاره کرد. او: «محمد چاوش بالابان سفیر بایزید دوم پادشاه عثمانی با تحف و هدایائی به تبریز آمده فتح عراق و اصفهان و فارس را به شاه اسماعیل تهنیت گفته و طی نامه مفصلی او را نصیحت کرد که از ظلم و ستم به پیروان مذهب تسنن دست بردارد و از روی تعصب، خون بی گناهان را نریزد، شاه اسماعیل نیز با سلطان عثمانی اظهار دوستی کرده و سفیر او را با نامه دوستانه و هدایای شایسته برگردانید. (کیانفر، ۱۳۸۳: ۴۲). از سوی دیگر ارسال کتب نفیس را می‌توان در همین راستا قلمداد کرد که به نظر می‌رسد کتاب‌های مذهبی در زمره کتاب‌های ارسالی بوده‌اند. به عنوان نمونه زمانی که در

۹۶۶ه.ق شاهزاده بایزید عثمانی به دربار صفوی پناهنده شد، شاه طهماسب هدایایی به او تقدیم کرد که یک فقره از هدایای تقدیمی کتب نفیس و ارزشمند بودند (ترکمان، ۱۳۵۰: ۱۰۲/۱). هم‌چنین در سال ۹۸۴ه.ق سلطان مراد عثمانی چند کتاب نفیس را به همراه هدایایی برای شاه طهماسب فرستاد (روملو، ۱۳۵۷: ۱/۶۲۹).

۵- هدایا و حمل آن‌ها

یکی از مهم‌ترین مسائل پیرامون تقدیم هدایا چگونگی عبور و گذراندن آن‌ها در مقابل شاه بود. در دوره‌ی صفویه به دلیل این که تقدیم و دریافت هدایا با جلال و شکوه خاصی انجام می‌شد نحوه‌ی گذراندن آن‌ها در حضور شاه از اهمیت خاصی برخوردار بود. چرا که در زمان تقدیم هدایا جمعیت زیادی به همراه سفرای کشورهای خارجی حضور پیدا می‌کردند. از این رو برای این کار تمهیدات خاصی تدارک دیده می‌شد. ترتیب انتقال هدایا به محل مورد نظر به این شکل بود که؛ ابتدا پیشکش‌چی‌باشی به‌عنوان مسئول تحویل گرفتن هدایا شخصی را برای آگاه کردن فرمانبردار کل پایتخت روانه می‌کرد، که فلان جا و فلان روز می‌بایست تعدادی نفر برای حمل هدایا آماده کند. پس از آن فرماندار کل دستور پیشکش‌نویس را به کلانتر منطقه اعلام می‌کرد و اجرای این کار را به او می‌سپرد. کلانتر به نوبه‌ی خود کدخداهای منطقه را احضار و دستورات و سفارشات لازم را برای انجام کار به آن‌ها می‌داد. کلانترها برای اجرای این کار از هر کوی و برزن یک نفر را به کار می‌گرفتند و هر کدام را به همراه یکی از افراد پیشکش‌نویس برای تحویل و انتقال هدایا به خانه‌ی هر یک از سفرا روانه می‌کردند (شاردن، ۱۳۷۴: ۲/۶۳۵).

معمولاً انتقال هدایا به این صورت بود که آن‌چه را یک نفر می‌توانست حمل کند، به ۵۰ نفر واگذار می‌کردند (اقتدارگرایی) تا هم شمار هدایای سفیر زیاد جلوه‌گر کند و هم شکوه پادشاه در انظار فرودستان بیشتر نمایان شود (دلاواله، ۱۳۷۰: ۲۴۸؛ فیگوئروا، ۲۶۲). حتی به منظور بیشتر شدن جلوه و شکوه هدایا تمام هدایای ریز و کوچک را روی هم جمع می‌کردند تا از این طریق هدایا را در چشم مردم باشکوه جلوه دهند (فیگوئروا، ۱۳۶۳: ۳۶۲). به‌طوری‌که این هدایا معمولاً تا بامداد روز بعد در اختیار حاملان آن‌ها قرار داشت و این کار گاه‌ها ۸ تا ۱۰ روز به طول می‌انجامید (شاردن، ۱۳۷۴: ۲/۶۳۵). اما در طی این مدت هدایایی که تحویل ۵۰۰ یا ۶۰۰ نفر بود (شاردن، ۱۳۷۴: ۲/۶۳۵؛ دلاواله، ۱۳۷۰: ۲۴۹) هرگز مخلوط یا مفقود نمی‌شدند. چرا که حاملان هدایا تا پای جان از آن‌ها مراقبت

می کردند و از طرفی هیچ کس جرات دست اندازی به اموال شاه را نداشت، به این دلیل که ارتکاب به این کار را گناهی عظیم می دانستند و این ضرب المثل بین مردم رایج بود که: « دریا نیز آنچه را از شاه می رباید به وی باز پس می دهد » (شاردن، ۱۳۷۴: ۶۳۵/۲-۶۳۶).

در واقع حمل هدایا هنگام شرفیابی با تشریفات خاصی انجام می شد، به گونه ای که میل و رضایت سفرا تاثیری در چگونگی ارائه ی هدایا نداشت. به این ترتیب که از طرف مقامات درباری به تقاضا و پیشنهاد های سفرا مبنی بر چگونگی ارائه ی هدایا اعتنایی نمی شد و در نهایت بر اساس تشریفات درباری هدایا را از نظر شاه می گذرانیدند. به همین دلیل زمانی که فیگوتروا برای شرفیابی نزد شاه عباس مهیا شد، رئیس بیوتات سلطنتی نزد او رفت و اطلاعات جامعی راجع به هدایای ارسالی پادشاه اسپانیا به دست آورد. سپس زمانی که سفیر تقاضا کرد به منظور سرگردانی از چگونگی ارائه ی هدایا آن ها را تحویل بگیرند پیشنهاد او رد شد، و در ادامه به او تذکر داده شد که بنا به رسم، اشیاء مزبور در روز باریابی پیشاپیش سفیر حرکت داده می شوند و هیچ گونه تضمینی دائر بر محفوظ ماندن هدایا تا روز باریابی به سفرا داده نمی شود (فیگوتروا، ۱۳۶۳: ۳۶۱-۳۶۳). پس از انجام این تمهیدات از سوی دربار، حاملان هدایا در مسیر محل و خیابانی که سفرا برای شرفیابی از آن می گذشتند می ایستادند تا سفیر به حضور شاه برسد (فیگوتروا، ۱۳۶۳: ۳۶۳). در واقع مستخدمین حمل هدایا جلوتر از سفرا حرکت می کردند و به طور منظم به مسیر خود ادامه می دادند، هر چند در مواقعی این نظم به هم می خورد (اولثاریوس، ۱۳۶۹: ۵۴۹/۲).

به دنبال آن ها مقامات مهم سفارت با ترتیبات خاصی حرکت می کردند سپس به منظور حفظ هدایا در راه حرکت به سمت قصر سلطنتی تمهیدات خاصی دیده می شد. اولثاریوس هنگام شرفیابی سفرای هلستاین گزارش می دهد: « ... همراه هدایا ۳ گروه بان با تفنگ های کوتاه بر دوش ۱۵ نفر تفنگ دار با اونیفرم قرمز رنگ در صف های ۳ نفری، فرمانده نیروهای سفارت و مارشال مستخدمین و پیش خدمت ها در صف های ۳ نفری، ۳ نفر شیپورچی با شیپورهای نقره ای ۸ نفر سرباز محافظ مخصوص سفیران در صف های ۲ نفری ... » (اولثاریوس، ۱۳۶۹: ۵۴۹/۲).. در نهایت پس از حمل هدایا، با ورود به قصر و هنگام گذراندن آن ها از نظر پادشاه دربار نیز به شیوه ی خاص خود عمل می کرد. به گونه ای که یکی از روسای یساولان مراقب بود تا حاملان هدایا آهسته حرکت کنند به این علت که پادشاه در مدخل تالار بتواند هدایا را با دقت نگاه کند. این تماشا از فاصله ی ۱۰۰ قدمی به صورت سطحی و سرسری انجام می شد به همین علت پس از اتمام کار سفرا و مراسم، شاه دوباره هدایا را مورد بررسی قرار می داد (کمپفر، ۱۳۶۳: ۲۷۰).

در طی این مراسم نیز ناظر و روسای بیوتات موظف بودند همه چیز را به دقت تقدیم کنند زیرا در مورد تمام هدایایی که به دربار می رسید ۲ برابر قیمت آن ها برای اعطای هدایای متقابل تعیین می شد (کمپفر، ۱۳۶۳: ۲۷۰). گاهی پس از

باریابی تماشای هدایا ساعت‌ها طول می‌کشید. به طوری که شاه پس از باریابی فیگوئروا او را با همراهان و چند نفر دیگر به جشنی دعوت می‌کرد و در همان حال حاملان هدایا در محل پذیرائی صف‌های طولی را تشکیل داده بودند تا بر شکوه کار بیفزایند (فیگوئروا، ۱۳۶۳: ۲۶۹). به طور کلی گذراندن هدایا از نظر شاه با ترتیبات خاصی انجام می‌شد و مقامات درباری در اجرای آن نقش داشتند. این کار از سوی مقامات به صورت سلسله‌مراتبی انجام می‌شد به این ترتیب که مقامات بالادستی به مقامات پایین‌دستی دستور می‌دادند کارهای لازم را برای حمل هدایا در روز شرفیابی سفر انجام دهند.

۶- نتیجه

در عصر صفوی رد و بدل کردن هدایا در مناسبات با دولت عثمانی اهمیت ویژه‌ای از منظر سیاسی و نظامی داشت. آغاز ارتباطات ایران و عثمانی با روی کار آمدن شاه اسماعیل اول با ارسال هدایا توأم بود. ارسال هدایا از این زمان تا پایان حکومت صفوی بین دو دولت برقرار بود اما ارسال هدایا با توجه به روابط خصمانه ایران و عثمانی جایگاه ویژه‌ای در نیل به مقاصد و متقاعد کردن دولت مقابل داشت. در واقع سیاست ارسال هدایا متقابلاً از سوی صفویان و عثمانی‌ها به کار گرفته شد و آنچه در این بین اهمیت داشت انتخاب نوع و زمان ارسال هدایا در شرایط متفاوت بود. به این صورت که هر یک از سلاطین صفوی و عثمانی سعی داشتند در پس ارسال هدایا قصد خود را بیان کنند. از این رو در ابتدای شکل‌گیری حکومت صفوی و آغاز درگیری‌های مداوم با عثمانی‌ها اهمیت ارسال انواع هدایا فزونی یافت. حفظ تمامیت ارضی در مقابل دشمنان خارجی علاوه بر جنگ و درگیری از طریق سیاست ارسال هدایا نیز امکان‌پذیر بود. به طوری که با ارسال هدایایی خاص به دربار عثمانی سعی در تهدید و عملی کردن خواسته‌های خود داشتند. هم‌چنین در مواقعی با رونمایی از هدایای مدرن که از سوی متحدان اروپایی به آن‌ها تقدیم می‌شد قدرت خود را به سفرای دولت عثمانی می‌نمایاندند. از طرفی پیگیری و انجام روند مذاکراتی که برای صلح انجام می‌شد با ارسال هدایا تکمیل می‌شد به گونه‌ای که هر اقدامی که برای انجام صلح از سوی دربار صفوی و عثمانی صورت می‌گرفت توأمان با فرستادن سفرا هدایای تقدیمی به دربار جزء لاینفک مذاکرات بود. هر چند در مواقعی پیش‌قدم شدن در ارسال هدایا کار را سخت می‌کرد اما در نهایت موثر واقع می‌شد. جنبه‌ی دیگری از ارسال هدایا، به راه انداختن نوعی جنگ روانی به منظور تخریب و تحقیر طرف مقابل بود و حتی از این طریق ضعف و عدم توانایی نظامی پوشش داده می‌شد. از این شیوه به‌ویژه برای دفع خطر بالقوه به طور اخص پناهندگان مدعی قدرت استفاده می‌شد. اهمیت این موضوع به گونه‌ای بود که در هنگام شعله‌ور بودن آتش اختلافات به منظور مرتفع کردن تهدید پناهندگان سیاسی هدایای ارزشمندی فرستاده و یا تقاضا می‌شد. استفاده از هدایا علاوه بر این که به طور مستقیم در تعاملات ایران و عثمانی مورد استفاده قرار می‌گرفت به منظور دفع خطر آن‌ها به طور غیر مستقیم در مناسبات صفویان با دولت‌های اروپایی به کار گرفته شد. این رویه از زمان شاه اسماعیل تا پایان حکومت صفوی ادامه داشت و در مواقعی علی‌رغم ارسال هدایایی مطابق با میل و خواسته‌های طرفین نتیجه‌ای در بر نداشت. در واقع باید اذعان کرد در شرایط متفاوت ارسال هدایا در مناسبات صفویان با دولت عثمانی متنوع و متغیر بود چرا که هر یک از پادشاهان صفوی و سلاطین عثمانی برای در

پس هدایای ارسالی هدفی را دنبال می کردند و سعی می کردند از این طریق خواسته های خود را به طرف مقابل القا کنند. از این رو رد و بدل شدن هدایا در مناسبات صفویان با دولت عثمانی سهم زیادی در نوع برخورد آن ها با یکدیگر در شرایطی هم چون تداوم جنگ، صلح، دفع خطر مدعیان و پناهنده گان و اتحاد علیه دشمن مشترک داشت.

منابع

۱. احمدی، نزهت و زهرا زارعیان جهرمی (۱۳۹۰)، «پیشکش و نقش آن در روابط ایران با کمپانی های هند شرقی در دوران صفوی»، مطالعات تاریخ فرهنگی، سال دوم، شماره ۷، صص ۵۸-۲۵.
۲. اولتاریوس، آدام (۱۳۶۹)، سفرنامه آدام اولتاریوس، ترجمه محمدحسین کردبچه، تهران: کتاب برای همه.
۳. باستانی پاریزی، محمد ابراهیم (۱۳۷۸)، سیاست و اقتصاد عصر صفوی، تهران: صفی علিশاه.
۴. بیات، اوروج بیک (۱۳۳۸)، دون ژوان ایرانی، ترجمه مسعود رجب نیا، با حواشی و یادداشت هایی از لسترنج، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۵. تاورنیه، ژان باتیست ()، سفرنامه تاورنیه، ترجمه ابوتراب نوری، باتجدید نظر کلی و تصحیح حمید شیرانی، تهران: سنایی.
۶. تاورنیه، ژان باتیست (۱۳۹۹)، سفرنامه تاورنیه، ترجمه ابوتراب نوری، باتجدید نظر کلی و تصحیح حمید شیرانی، تهران: سنایی.
۷. ترکمان، اسکندریک (۱۳۵۰)، تاریخ عالم آرای عباسی، زیر نظر با تنظیم فهرست ها و مقدمه ایرج افشار، تهران: امیرکبیر.
۸. تنرو، آنتونیو (۱۳۹۷)، سه سفرنامه: رابی بنیامین تطیلی، آنتونیو تنرو، میگله ممبره، مترجم حسن جوادی و ویلم فلور، تهران: بی نا.
۹. جنابدی، میرزاییک (۱۳۷۸)، روضه الصفویه، به کوشش غلامرضا طباطبایی مجد، تهران: بنیاد موقوفات
۱۰. جهانگشای خاقان (تاریخ شاه اسماعیل ۱۴۰۶ ه. ق- ۱۳۶۴ ه. ش)، مقدمه و پیوست ها و فهرس الله دتا مضطر، بی جا: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.
۱۱. حسینی استرآبادی، سیدحسن بن مرتضی (۱۳۶۶)، از شیخ صفی تا شاه صفی (از تاریخ سلطانی)، به کوشش احسان اشراقی، تهران: چاپخانه بهمن.

۱۲. حسینی، سیدحمید (۱۳۸۹)، پی آمدهای سیاسی تنش بین صفویه و عثمانی، فصلنامه سخن تاریخ، سال ۴، شماره ۱۱، صص ۳۲-۵۶.
۱۳. خواجهگی اصفهانی، محمد معصوم (۱۳۶۸)، خلاصه السیر (تاریخ روزگار شاه صفی)، زیر نظر ایرج افشار، تهران: علمی.
۱۴. خواندمیر، غیاث الدین بن همام الدین (۱۳۸۰)، حبیب السیر. مقدمه بقلم جلال الدین همایی. فهرست مطالب، اعلام تاریخی و جغرافیایی، قبایل و کتب و تصحیح متن زیر نظر محمد دبیرسیاقی.
۱۵. دالساندری، وینچنتو (۱۳۸۱)، سفرنامه ونیزیان در ایران (سفرنامه های ونیزیانی که در زمان اوزون حسن آق قویونلو و اوایل عهد صفوی به ایران آمده اند)، ترجمه منوچهر امیری، تهران: خوارزمی.
۱۶. دلاواله، پیترو (۱۳۷۰)، سفرنامه پیترو دلاواله (قسمت مربوط به ایران)، ترجمه، شرح و حواشی از شعاع الدین شفا، تهران: علمی و فرهنگی.
۱۷. رربورن، میثائیل (۱۳۸۴)، نظام ایالات در عهد صفویه. ترجمه کیکاووس جهانداری. تهران: علمی و فرهنگی.
۱۸. روملو، حسن بیک (۱۳۵۷)، احسن التواریخ، به تصحیح عبدالحسین نوایی، تهران: بابک.
۱۹. رویمر و دیگران (۱۳۸۰)، تاریخ ایران: دوره صفویان، مترجم یعقوب آژند، تهران: جامی.
۲۰. زنو، کاترینو (۱۳۸۱)، سفرنامه ونیزیان در ایران (سفرنامه های ونیزیانی که در زمان اوزون حسن آق قویونلو و اوایل عهد صفوی به ایران آمده اند). ترجمه منوچهر امیری. تهران: خوارزمی.
۲۱. سارحان، بتول و روح اللهی امیری، زهرا (۱۳۹۹)، مناسبات تقابلی دولت صفوی و عثمانی، مجله تاریخنامه اسلام، سال دوم، شماره ۲ (پیاپی ۴)، صص ۹-۲۷.
۲۲. سانسون (۱۳۴۶)، سفرنامه سانسون (وضع کشور شاهنشاهی ایران در زمان شاه سلیمان صفوی)، به کوشش و ترجمه تقی تفضلی، تهران: ابن سینا.
۲۳. سیوری، راجر (۱۳۸۹)، ایران عصر صفوی، ترجمه کامبیز عزیزی، تهران: سحر.
۲۴. شاردن، ژان (۱۳۷۲-۱۳۷۵)، سفرنامه شوالیه شاردن، ترجمه اقبال یغمائی، تهران: توس.
۲۵. شاملو، ولی قلی بن داوود قلی (۱۳۷۱)، قصص الخاقانی، تصحیح و پاورقی سید حسن سادات ناصری، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲۶. شاه طهماسب (۱۳۴۳)، تذکره شاه طهماسب (شرح وقایع و احوالات زندگانی شاه طهماسب صفوی به قلم خودش)، تهران: کاوه.

۲۷. شرلی (۱۳۵۷)، سفرنامه برادران شرلی در زمان شاه عباس کبیر، ترجمه آئانس، با مقدمه محبت آئین، تهران: منوچهری.
۲۸. شیرازی، عبدی بیک (۱۳۶۹)، تکمله الاخبار (تاریخ صفویه از آغاز تا ۹۷۸ ه.ق)، مقدمه، تصحیح و تعلیقات عبدالحسین نوایی، تهران: نشر نی.
۲۹. عالم آرای صفوی (۱۳۵۰)، مجهول المؤلف، به کوشش یدالله شکری، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
۳۰. غفاری قزوینی، قاضی احمد (۱۳۴۳)، تاریخ جهان آرا، تهران: حافظ.
۳۱. غفاری فرد، عباسقلی (۱۴۰۲)، دیوان سالاری و نظام اداری در روزگار صفویه. تهران: امیرکبیر؛ فلور، ویلم (۱۴۰۰)، دیوان و قشون در عصر صفوی. ترجمه کاظم فیروزمند. تهران: آگاه.
۳۲. فلسفی، نصرالله (۱۳۵۳)، زندگانی شاه عباس اول، تهران: دانشگاه تهران.
۳۳. فلور، ویلم (۱۳۸۷)، دیوان و قشون در عصر صفوی، ترجمه کاظم فیروزمند، تهران: آگاه.
۳۴. فلور، ویلم (۱۳۹۵)، تاریخ مالی ایران در روزگار صفویان و قاجاریان (۱۹۲۵ - ۱۵۰۰) م. ترجمه ابوالقاسم سری. تهران: توس.
۳۵. فن دریابل، ژرژ تکتاندر (۱۳۵۱)، ایتر پرسیکوم، ترجمه محمود تفضلی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
۳۶. فیدالگو، گریگوریو پری اِرا (۱۳۵۷)، گزارش سفیر کشور پرتغال در دربار شاه سلطان حسین صفوی، ترجمه از زبان پرتغالی و حواشی از ژان اوبن، تهران: دانشگاه تهران.
۳۷. فیدالگو، گریگوریو پری اِرا (۱۳۵۷)، گزارش سفیر کشور پرتغال در دربار شاه سلطان حسین صفوی، ترجمه از زبان پرتغالی و حواشی از ژان اوبن، تهران: دانشگاه تهران.
۳۸. فیگوئروا، دن گارسیا دسیلوا (۱۳۶۳)، سفرنامه فیگوئروا، ترجمه غلامرضا سمیعی، تهران: نو.
۳۹. فیگوئروا، دن گارسیا دسیلوا (۱۳۶۳)، سفرنامه فیگوئروا، ترجمه غلامرضا سمیعی، تهران: نو.
۴۰. قبادالحسینی، خورشاه (۱۳۷۹)، تاریخ ایلچی نظام شاه (تاریخ صفویه از آغاز تا سال ۹۷۲ ه.ق)، تصحیح، تحشیه، توضیح و اضافات محمدرضا نصیری و کوهیچی هانه‌دا، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
۴۱. قمی، قاضی احمد بن شرف‌الدین الحسینی القمی (۱۳۸۳)، خلاصه التواریخ، به تصحیح احسان اشراقی، ۲ ج، تهران: دانشگاه تهران.
۴۲. کمپفر، انگلبرت (۱۳۶۳)، سفرنامه کمپفر، ترجمه کیکاووس جهان‌داری، تهران: خوارزمی.
۴۳. کمپفر، انگلبرت (۱۳۶۳)، سفرنامه کمپفر، ترجمه کیکاووس جهان‌داری، تهران: خوارزمی.

۴۴. کیانفر، محمدرضا (۱۳۸۳) تاریخ ایران و جهان، تهران، انتشارات بوستان وحید.
۴۵. لاسیکووا، گالینا (۱۳۹۷)، آتش و باروت در هنر و دیپلماسی شاهان صفوی، ترجمه فرزاد سلیمی فر، فصلنامه تاریخ روابط خارجی، سال ۱۹، شماره ۷۶، صص ۱۱۷-۱۴۷.
۴۶. متی، رودلف پ (۱۳۸۷)، اقتصاد و سیاست خارجی عصر صفوی، ترجمه حسن زندیه، تهران: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
۴۷. متی، رودلف پ (۱۳۹۰)، اقتصاد و سیاست خارجی عصر صفوی. ترجمه حسن زندیه. تهران: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
۴۸. متی، رودی (۱۳۹۷)، ایران در بحران، مترجم خسرو خواجه نوری، تهران: امیرکبیر.
۴۹. مجهول المؤلف (۱۳۷۰)، عالم آرای شاه طهماسب، به کوشش ایرج افشار، تهران: دنیای کتاب.
۵۰. مشیزی یردسیری، میر محمدسعید (۱۳۶۹)، تذکره صفویه کرمان. مقدمه و تصحیح و تحشیه باستانی پاریزی. تهران: علم.
۵۱. ممبره، میگله (۱۳۹۷)، سه سفرنامه: رابی بنیامین تطیلی، آنتونیو تررو، میگله ممبره، مترجم حسن جوادی و ویلم فلور، تهران: بی نا.
۵۲. منجم یزدی، ملاجلال الدین (۱۳۹۸)، تاریخ عباسی (روزنامه ملاجلال)، تاریخ ایران در روزگار شاه عباس صفوی، تصحیح مقصودعلی صادقی، تهران: نگارستان اندیشه.
۵۳. منشی قزوینی، بوداق (۱۳۷۸)، جواهر الاخبار (بخش تاریخ ایران از قراقویونلوها تا سال ۹۸۴)، مقدمه، تصحیح و تعلیقات محسن بهرام نژاد. تهران: میراث مکتوب.
۵۴. مهدوی، عبدالرضا هوشنگ (۱۳۵۰)، تاریخ روابط خارجی ایران، تهران: امیرکبیر.
۵۵. نصیری، محمدابراهیم بن زین العابدین (۱۳۷۳)، دستور شهریاران (سالهای ۱۱۰۵ تا ۱۱۱۰ ه. ق پادشاهی شاه سلطان حسین صفوی)، به کوشش محمدنادر نصیری مقدم، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
۵۶. نوایی، عبدالحسین و عباسقلی غفاری فرد (۱۳۸۸)، تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره صفویه، تهران: سمت.
۵۷. واله اصفهانی، محمدیوسف (۱۳۷۲)، خلدبرین (ایران در روزگار صفویان)، به کوشش میرهاشم محدث، تهران: موقوفات دکتر محمود افشار یزدی.